

جلوه‌های کارکردی صلح در آیین نوروز؛ ثبات، عدالت، رهایی

سویل ماکویی^۱

چکیده

ایران جایگاه جغرافیای فرهنگی (ژئوکالچر) کانونی و مهمی در گستره تمدن ایرانی دارد. مطالعات مختلف نشان می‌دهند که بن‌مایه و ریشه بسیاری از آیین‌ها در این منطقه، معطوف به فرهنگ باستانی و کهن ایرانی است. از جمله آیین‌های رایج در این تمدن که تا دوران معاصر، با تغییر و تحولاتی برگزار می‌شود، آیین نوروز است. نوروز جشنی باستانی، با پیشینه‌ای تاریخی و طولانی است. این جشن یا آیین، جلوه‌گاه پیوند انسان با طبیعت است و همین اصل، راز پایایی و ماندگاری آن را در طول تاریخ آشکار می‌کند. یکی از جلوه‌های چنین پیوندی، ایجاد مفاهیم و معانی عمیقی است که با خو و سرشت گروه‌های انسانی زیسته در آن قلمرو تطابق یافته‌اند. این مفاهیم و معانی در عمق آداب و سنت‌های جاری در نوروز و در طول زمان پدید آمده‌اند. از جمله این مفاهیم می‌توان به فرهنگ همزیستی میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف، ثبات و آرامش، نشاط، بیداری، رهایی، عدالت و امید، اشاره و تأکید کرد. در بررسی این آیین و کارکردهای آن روشن می‌شود که آیین نوروز با مفهوم صلح همپوشانی دارد. هرگاه صلح را به مثابه ثبات، عدالت و رهایی، مفهوم‌بندی کنیم، مشخص می‌شود که این مفهوم با آیین نوروز نزدیکی مفهومی بالایی دارد. بررسی بسترهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی ظهور این آیین نیز نشان می‌دهد که می‌توان بر روی تلفیق این دو معنا تأکید کرد و آن را محملی برای ایجاد صلح و ثبات در منطقه قرار داد (منطقه‌ای که به شدت نیازمند چنین مفهوم‌بندی است). در مقاله حاضر تلاش شده است تا سه مفهوم اصلی صلح یعنی ثبات، عدالت و رهایی در آیین نوروز، مورد مطالعه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: آیین نوروز، ثبات در نوروز، رهایی در نوروز، صلح، عدالت در نوروز

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، پژوهشگر مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما.

مقدمه

جنگ و صلح به عنوان پدیده‌های اجتماعی، از جمله مفاهیم پیچیده عصر ما محسوب می‌شوند. این دو مفهوم، از دیرباز، از دغدغه‌های مهم و اصلی جوامع مختلف بوده‌اند اما گستردگی خشونت و تنوع شیوه‌های تروریستی امروزه پرداختن به بازتعریف هر دو مفهوم را جدی‌تر کرده است. دو مفهوم جنگ و صلح، به عنوان دو مفهوم متضاد در کنار یکدیگر توسعه یافتند و نظریه‌پردازان تلاش کردند با بررسی یکی، برای رسیدن به دیگری راه‌حل تبیین کنند. به نظر می‌رسد که امروزه جهان با مشکلاتی مانند خشونت، تروریسم، جنگ و استقرار امنیت، آرامش و صلح دست و پنجه نرم می‌کند و پیچیدگی این مسائل در منطقه خاورمیانه، بیش از هر منطقه دیگری، نمود بارز یافته است؛ خشونت‌های فرقه‌ای و ظهور گروه‌های افراط‌گرا همچون طالبان، القاعده و داعش، احساسات قوم‌گرایانه و گاه تجزیه‌طلبانه، تعدد بازیگران غیردولتی و فقدان دولت - ملت‌سازی در این منطقه، پرداختن به مفهوم صلح را بیش از مناطق دیگر ضروری می‌سازد.

هرچند بخشی از حوزه تمدنی و فرهنگی ایران در چنین منطقه‌ای قرار گرفته است، به نظر می‌رسد که این کشور، با بهره‌گیری از عناصر فرهنگی خود می‌تواند تا حدودی از تنش‌های شدید و چندلایه منطقه دوری گزیند. این در حالی است که ایران نیز با برخی از عوامل بی‌ثبات‌کننده داخلی دست به گریبان است. وجود اقوام، گروه‌های زبانی و مذاهب مختلف، توزیع اقوام مشابه در طرفین مرزها، توسعه‌نیافتگی و محرومیت، بویژه در بخش‌های مرزی و تنوع در فرهنگ‌های بومی که نوعی گوناگونی زیستی را در کشور ایجاد کرده است، می‌تواند از عوامل بی‌ثبات‌کننده محسوب شود. اما وضعیت چندفرهنگی^۱ در ایران، با مؤلفه‌های فرهنگی بسیاری همراه است که موجب شده است انسجام و یکپارچگی آن در طول یک قرن اخیر حفظ شود.

میراث معنوی و میراث مکتوب و شفاهی ایران که تمامی آیین‌ها، آداب و سنت‌ها، ادب مکتوب و شفاهی، میراث دینی، فلسفی - عرفانی، روایی - تاریخی، فقهی -

جلوه‌های کارکردی صلح در آیین نوروز؛ ثبات، عدالت، رهایی ❖ ۷۷

کلامی، حکمی - اخلاقی و سایر حوزه‌ها را در بر می‌گیرد، از مؤلفه‌های پراهمیت فرهنگی ایران در ایجاد انسجام و یکپارچگی آن است. این میراث در طول قرون، تولید و بازتولید شده و نوعی خاطره قومی و انباشت ذهنی ایجاد کرده است و این خاطره که جان‌مایه آیین و فرهنگ است، در تاریخ ذهنی ایرانیان، منشأ پایایی و ثبات آیین و فرهنگ در پهنه این جغرافیا شده است. آیین نوروز یکی از آیین‌هایی است که می‌تواند به عنوان مؤلفه فرهنگی قوی مورد استناد حوزه فرهنگ‌شناسی ایران قرار گیرد و برای بازتولید کارکردهای فرهنگی در این حوزه تمدنی، بازتعریف شود و مورد استفاده قرار گیرد.

در این مقاله تلاش شده است تا جلوه‌های صلح‌آمیز نوروز در سه بعد ثبات، عدالت و رهایی ارائه شود. به نظر می‌رسد که امروزه، ثبات، عدالت و رهایی به عنوان سه بن‌مایه صلح در این آیین، از دغدغه‌های جدی روابط بین‌الملل بویژه در منطقه خاورمیانه هستند.

مفهوم‌بندی آیین نوروز

نوروز از کهن‌ترین جشن‌های باستانی ایران است که قدمت برگزاری آن به پیش از دوره هخامنشیان، یعنی هنگامی که بخش کهن اوستا، کتاب دینی زرتشتیان فراهم می‌آمد، می‌رسد. واژه جشن در اوستا، یسنا «yasna» به معنی ستایش و پرستش است. همچنین فروردین، نامی که به این جشن داده شده، از واژه‌های بسیار کهن زبان پارسی است. در زبان‌های «اوستا» و «پارسی باستان» این اسم به هشت حالت صرف می‌شود. واژه «فرورتی» در پارسی باستان مؤنث است و در حالت اضافه «فروردین» می‌شود که به معنی «نگهدار هر یک از آفریدگان نیک» است. واژه نوروز در «فرهنگ گیاث اللغات» روز اول ماه فروردین معنی شده است که زمان رسیدن آفتاب به نقطه اوج برج حمل است.

۷۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در «فرهنگ لغت رشیدی» آمده است: نوروز، روز اول فروردین، رسیدن آفتاب به برج حمل و ابتدای بهار است و این را نوروز کوچک، نوروز عامه و نوروز صغیر گویند و ششم فروردین ماه، روز خرداد، نوروز بزرگ و نوروز خاصه نامیده می‌شود. بی‌گمان نوروز به دوران کهنی مربوط می‌شود که خورشید نزد اقوام هند و ایرانی، ایزدی بزرگ بود و آیین نوروز یکی از مراسم دینی مربوط به این ایزد به شمار می‌رفت. در اوستا ذکری از نوروز نیست. در اساطیر ایرانی، نوروز جشن خلقت نخستین انسان «کیومرث» است. کیومرث در کتاب‌های پهلوی، نخستین بشر و در شاهنامه، نخستین پادشاه ذکر شده است و طبق این روایت، او بود که در نوروز، آیین پادشاهی را رسم نهاد. در شاهنامه در این باره چنین آمده است:

پژوهنده نامه باستان	که از پهلوانان زند داستان
چنین گفت کاین تخت و کلاه	کیومرث آورد او بود شاه
چو آمد به برج حمل آفتاب	جهان گشت با فر و آیین و آب
بستاید زانسان برج بره	که گیتی دوان گشت از او یکسره
کیومرث شد بر جهان کدخدای	نخستین به کوه اندرون ساخت جای

در نزد زرتشتیان، روز ششم فروردین، نوروز بزرگ است. ایرانیان این روز را عید و جشن بزرگی می‌دانستند و می‌گفتند که خداوند در این روز از آفرینش جهان آسوده شد زیرا پسین روز روزهای ششگانه بود. در این روز، خداوند مشتری را بیافرید و به همین دلیل، فرخنده‌ترین ساعت‌های آن ساعت مشتری است. زرتشتیان معتقد بودند که در این روز کیخسرو، پادشاه کیانی بر آسمان عروج کرده است و برای ساکنان کره زمین، خوشبختی پخش می‌شود. به همین دلیل نیز ایرانیان این روز را روز امید و آرزو نام نهاده‌اند. (رضایی، ۱۳۷۹: ۱۸۷)

با بررسی آیین‌های مربوط به جشن‌های زمان ساسانیان این نتیجه به دست می‌آید که مردم، جشن نوروز را بیشتر از اعیاد دیگر عزیز و محترم می‌شمردند و مراسم مربوط به آن را با دقت به جا می‌آوردند. کریستن سن می‌نویسد: در میان اعیاد آن که بیشتر

جلوه‌های کارکردی صلح در آیین نوروز؛ ثبات، عدالت، رهایی ❖ ۷۹

مورد قبول عام بوده چنان که امروز نیز هست، نوروز است که آن را نوگ روز «nog ruz» می‌گفتند. این جشن در آغاز سال بود و در سال دینی بلافاصله بعد از عید فروردینگان می‌آمد... هر پادشاهی در این روز فرخنده، رعیت ممالک خویش را قرین خرمی و شادی می‌کرد و در این عید کسانی که کار می‌کردند، دست از کار می‌کشیدند و به استراحت و شادی می‌پرداختند، در روز اول، مردم صبح زود برمی‌خاستند، به کنار نهرها و قنات‌ها می‌رفتند و شستشو می‌کردند؛ به یکدیگر آب می‌پاشیدند و شیرینی تعارف می‌کردند؛ قدری شکر یا سه مرتبه عسل می‌خوردند و برای حفظ بدن از ناخوشی‌ها و بدبختی‌ها، روغن به تن می‌مالیدند و خود را به سه قطعه موم دود می‌دادند. (گرگانی، ۱۳۷۹: ۱۸۷)

مفهوم‌بندی صلح در آیین نوروز

صلح یکی از قدیمی‌ترین مفاهیمی است که در کنار مفهوم جنگ شکل گرفته است. بشر در طول سالیان دراز با وجوه و ابعاد مختلفی از مفهوم جنگ و صلح در ارتباط بوده است؛ مفهومی که در ابتدا، در کنار مفهوم ضد خود شکل گرفت و در نسبت با آن تعریف شد. در پارادایم یا الگوی واقع‌گرایی، صلح به معنی «نبود جنگ»، «پایان جنگ»، «فاصله بین دو جنگ» یا «نه جنگ» تعریف شده است. در این معنی، نظامیان می‌جنگند تا صلح؛ یعنی دوره‌های بدون جنگ را با توسل به نیروی نظامی به دست آورند. در الگوی نظامی، صلح هدف نهایی یا ایده‌آل است بیش از آنکه به معنای پایان یافتن جنگ باشد.

«گالتونگ^۱ این تعریف از صلح را صلح منفی می‌نامد. او معتقد است در این تعریف، بسیاری از اشکال ساختی خشونت (غیر مستقیم و نهادینه شده) همچون بهره‌برداری و استثمار اقتصادی، نژادپرستی، ستم و بیداد، گرسنگی و فقر هنوز وجود دارد. چنین تصویری از صلح چیزی در تعریف صلح نمی‌گوید جز آن که صلح وجود دارد و این چیزی است که صلح نیست» (کمالی، ۱۳۸۹: ۳۹). حال آن که صلح نه نبود

1. Galtung

۸۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

جنگ که وجود آرامش، امنیت و رهایی از ترس است. اگر صلح را در نسبت از جنگ تعریف نماییم به حداقل عوامل بسنده می‌کنیم در حالی که اگر آن را به صورت مستقل تعریف نماییم باید تعریفی حداکثری و فارغ از مفهوم جنگ بیان کنیم. در این شکل از تعریف، صلح به مثابه:

- امنیت اجتماعی؛
- امنیت انسانی؛
- آرامش، آسودگی و رضایت مردمان؛
- تعادل جامعه؛
- حفظ انسجام اجتماعی؛
- بردباری و تحمل اجتماعی؛
- ثبات؛
- عدالت؛
- رهایی؛
- حل اختلافات؛
- مدیریت بحران‌ها؛
- کاربرد دموکراتیک قدرت.

بیان می‌شود. اما آنچه تکمیل‌کننده موارد بالاست، وجود فرهنگ صلح طلب در جامعه مورد نظر است. «فرهنگ‌های صلح شامل اجزای اجتماعی یعنی ارزش‌ها، سیستم عقاید، ایدئولوژی، فلسفه، فرضیه‌ها، نرم‌های اجتماعی و... است که در زندگی روزمره به کار می‌رود» (همان: ۴۰). هویت نیز متأثر از فرهنگ است و شاکله آداب و سنن و عقاید یک ملت ریشه در آن دارد. فرهنگ با ویژگی‌های تعاملی، همکاری‌جویانه و جمعی‌گرا، مستعد صلح‌طلبی است؛ هر چند که از نظر جغرافیایی، در اقلیمی جنگ‌طلب واقع شده باشد زیرا از فرایند کنش‌های پیوسته و مثبت است که دوستی، همسازی، آشتی و صلح حاصل می‌شود. در چنین فرهنگی، فلسفه و ادبیات خلق می‌شود و رشد می‌کند.

جلوه‌های کارکردی صلح در آیین نوروز؛ ثبات، عدالت، رهایی ❖ ۸۱

با چنین مفروض‌هایی، فرهنگ و هویت ایرانی با تمام ابعاد مادی و غیر مادی خود نمایانگر جمع‌گرایی، همکاری و صلح‌طلبی است. بررسی آداب، آیین‌ها، سنت‌ها، ادب مکتوب و شفاهی، معماری و دست‌سازه‌ها و دستبافته‌های مختلف نشان می‌دهد که این میراث مادی و غیرمادی، از نمادهای صلح بیش از جنگ بهره گرفته‌اند. یکی از شواهد و مدارک جدی این امر نیز مدنیت و گسترش شهرنشینی در اغلب مناطق این سرزمین بوده است. یکجانشینی، شهرنشینی و آبادانی از جلوه‌های تمدن‌سازی است و تمدن‌سازی پایه و اساس مدارا، امنیت، آرامش و صلح قلمداد می‌شود. علاوه بر مظاهر سخت‌افزارانه تمدن می‌توان به آیین‌ها و مناسک جاری در میان مردم به‌عنوان عناصر فرهنگی اشاره کرد. بررسی و مطالعه آنها نشان می‌دهد که فرهنگ غالب در این سرزمین، فرهنگی صلح‌طلب است.

یکی از آیین‌های باستانی که ریشه در فرهنگ و تمدن ایران دارد، آیین نوروز است. تاریخ دقیق شکل‌گیری این آیین چندان روشن نیست اما امروزه یکی از آیین‌های مشترک در حوزه تمدنی ایران محسوب می‌شود. نوروز از جمله آیین‌های باشکوه فرهنگ غنی ایران محسوب می‌شود. این آیین، جشنی بنا شده بر باورهای عمیق مردم این حوزه تمدنی و فراتر از یک جشن ملی و آیینی است. نوروز، رسمی متعلق به روزگاران کهن و اساطیری سرزمین ایران است. آیین نوروز، هویتی ملی دارد و افراد را با باورهای مختلف، در این هویت ملی و جشن غرورآفرین به یگانگی می‌رساند. در این آیین، مجموعه‌ای از آداب، سنت‌ها و نمایش‌های آیینی وجود دارند که هر کدام، گنجینه‌ای از فرهنگ مردم این سرزمین را نمایش می‌دهند.

به نظر می‌رسد «رهايي»، «ثبات» و «عدالت» سه بن‌مایه صلح در آیین نوروز هستند که در این نوشتار به آنها پرداخته شده است.

۱. نوروز به‌مثابه رهایی

«دوستی و همین‌طور دشمنی از ترس ناشی می‌شوند که خود علت عام بسیاری از طرز تلقی‌ها و رفتارهاست» (بوتول، ۱۳۷۱: ۱۸). به‌طورکلی، زیست انسان با ترس آمیخته

۸۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

شده و هرچه این وجه در فرد و جامعه‌ای، نهادینه و تسلط یافته باشد، رفتارهای ناشی از آن نیز نمود بیشتری خواهد داشت. به نظر می‌رسد که گسترش خشونت و جنگ با میزان ترس انسان‌ها از ادامه حیات مرتبط است. بنابراین، هرچه مؤلفه‌های یک فرهنگ، بر وجه‌رهایی از ترس تأکید بیشتری داشته باشد، بن‌مایه صلح و دوستی در آن فرهنگ بیشتر نمایان خواهد شد. از جمله منابعی که می‌توانند این وجه را به نحو صحیحی نمایش دهند، آیین‌ها و مناسک هستند. بررسی آیین نوروز به عنوان یکی از آیین‌های رایج و بااهمیت در حوزه تمدنی ایران نشان می‌دهد که این آیین بر پایه و بنیاد دوستی، صلح، امنیت و آرامش استوار شده است.

آیین نوروزی مجموعه‌ای از آداب و سنت‌هایی است که در بازه زمانی تقریباً چهل روزه آماده و برپا می‌شوند. برخی مراسم نوروزی مانند نوروزخوانی و نمایش‌واره‌های نوروزی، پخت انواع شیرینی و نان، خانه‌تکانی، خرید عید و آماده‌سازی سفره هفت‌سین همه از جمله سنت‌هایی هستند که در چند روز مانده به عید انجام می‌گیرند. هرکدام از این کنش‌ها، علاوه بر ادای تعدادی از عادات و باورهای قومی، کارکردهایی برآمده از اجتماع، خواست‌ها و نیازهای مردم آن را با خود به همراه می‌آورند. شادی، نشاط‌آفرینی، امیدبخشی و ایجاد امنیت و آرامش از پدیده‌های اجتماعی هستند که در بازسازی این آیین همه ساله تولید می‌شوند. اغلب آداب و سنت‌هایی که در قالب آیین نوروز برپا می‌شوند، مجموعه‌ای از بن‌مایه‌های صلح را در خود دارند که در یک مقاله نمی‌توان به همه آنها پرداخت. بنابراین، در زیر به دو نمونه از این آداب اشاره می‌شود:

- خانه‌تکانی سنت زدودن پلشتی از فرسودگی، کهنگی و سیاهی و پاکیزه و نورانی کردن زندگی است. این رسم، از جمله اولین گام‌های به جا آوردن آداب نوروزی است. کنشگران این رفتار اجتماعی، چند روز مانده به عید، با شستن و تمیز کردن خانه یا تعویض و خرید برخی وسایل، محیط زندگی را تمیز، تازه و نو می‌کنند. خانه‌تکانی به طور معمول پیش از چهارشنبه‌سوری تمام می‌شود. این کنش، نمایانگر رها شدن انسان از سیاهی پیرامون و ذهن است. انسان زیسته در حوزه فرهنگی ایرانی، به امید رسیدن به سپیدی، نور و در نهایت، آرامش و امنیت، دست به تغییر در محیط پیرامون می‌زند.

جلوه‌های کارکردی صلح در آیین نوروز؛ ثبات، عدالت، رهایی ❖ ۸۳

همه ساله این کنش تکرار می‌شود و جامعه هر بار برای دستیابی به این آرامش، آیین‌ها و مناسکی را برپا می‌کند. (ماکویی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵)

بررسی خانه‌تکانی در برخی نقاط نشان می‌دهد که بانوان منزل، علاوه بر درون خانه، پیرامون آن را نیز سپید می‌کردند و پس از سپیدکاری نمای منزل، با دست علایم و اشکالی (خورشید تابان، گل^۱، درخت سرو، انار و ...) را دورتادور آن تصویر می‌کردند. از منظر نشانه‌شناسی، هر کدام از این علایم واجد معنایی هستند که شاید غالب آنها را بتوان در امید، آرامش و امنیت معنا کرد، همچنان که خانه به عنوان فضای ثابت و محل امن، نوعی رهایی از ترس و آرامش را تداعی می‌کند.

- نمایش‌واره‌های نوروزی از سنن نمایشی به حساب می‌آیند که در بازه زمانی پیش از آغاز سال نو و در طول ایام پس از آن، اجرا می‌شوند. «سنن نمایشی پیوندی نزدیک با آیین‌ها دارند و جزء پویاترین و قوی‌ترین عناصر فرهنگ‌های گوناگون محسوب می‌شوند. نمایش‌های آیینی گنجینه‌ای از آیین‌ها، زبان، رفتارها، معیارهای اخلاقی، سلیقه‌ها، اندیشه‌ها، شوخی‌ها و باورهای دینی را در خود جای داده‌اند» (پیراوی‌ونک و نیک‌نفس، ۱۳۸۹: ۳۲). سنت‌های نمایشی و آداب آیینی همواره از جنبه‌های نمایشی قدرتمندی برخوردارند و در هر فرهنگ حایز ویژگی‌های مشترک و گاه منحصر به فردی هستند. این سنت‌ها و آداب گاه ریشه در باورها و اندیشه‌های عمیق دارند و گاه در تعامل و تضاد با باورهای قومی دیگر هستند و در طول قرن‌ها وارد آداب و سنن قوم مورد نظر شده‌اند. در واقع، «در آفرینش‌های مردمی، فرایندهای متفاوتی طی می‌شود که آن سازش دادن عنصری بیگانه و غیربومی و گاه حتی اساطیری با منظره و صبغه و سنن محلی، اقلیمی، بومی و خودی کردن حوادث و اشخاص متعلق به تاریخی بیگانه و حتی چهره‌ها و تماثیل و قهرمانان نمونه است.» (ستاری، ۱۳۷۶: ۱۷۴) به طور کلی، «نمایش‌های سنتی به جایگاه تاریخی و فرهنگی خود وابسته‌اند و ارزش‌های رفتاری خاصی از جامعه را القا می‌کنند. آنها از زیست مشترک در متن تاریخ برخاسته‌اند، بالیده‌اند، دگرگون شده‌اند و در هر دوره بار خصوصیتی خاص به خود

۱. در اسناد فرهنگی موجود در گنجینه واحد فرهنگ مردم صداوسیما، نقش «گل» بیش از سایر اشکال آورده شده است.

۸۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

گرفته‌اند و گاه معنایی تازه یافته‌اند و به تکامل تکنیکی رسیده‌اند و مایه وافری از ذوق و شوق و سلايق جمعی مردمان را به جلوه درآورده‌اند.» (آزند، ۱۳۸۵: ۱۳)

کشمکش میان دو نیروی روشنائی - تاریکی یا سفیدی - سیاهی، مضمون اصلی این نمایش‌واره‌هاست. در گذشته، تلاش برای پیروزی روشنائی و امید به شکست سیاهی از جمله باورهای امیدبخش مردم بود. آنها با اجرای این نمایش داده‌ها یا با نظاره کردن آنها بر ترس‌هایشان از سرما، گرسنگی یا حاکمان غلبه می‌کردند و برپایی چنین مراسمی در طول ایام نوروز، به نهادینه شدن این رهایی کمک می‌کرد.

نمایش‌واره «کوسه» از جمله نمایش‌واره‌های نوروزی بود که برای نشان دادن مرگ تمثیلی زمستان و فرارسیدن فصل گرما و نوزایی بهار برپا می‌شد. در گذشته، این نمایش به نوعی برائت جستن از اهریمن و آفریده او، زمستان بود. در این نمایش‌واره، کوسه را که مردی زشت‌روی، یک‌چشم و کوسه‌ریش بود، بر خری می‌نشانند و کلاغی سیاه به یک دستش و بادبزی به دست دیگرش می‌دادند و او را در کوی و بازار می‌گرداندند. کوسه در حالی که خود را باد می‌زد و شکلک در می‌آورد، فریاد می‌کشید که «گرم است، گرم است» مردم نیز گلوله‌های برف را بر سر و کول او می‌پرانندند. (بلوکباشی، ۱۳۸۱: ۳۵) تحلیل محتوای گفتگوهای میان کوسه و مردم (به عنوان تماشاگر) و کنش‌های رفتاری تماشاگران (پرت کردن وسیله‌ای به سمت کوسه و دشنام دادن به او) در طول نمایش نشان می‌دهد که نوعی فرافکنی و تلاش برای رهایی از ترس و نقد وضع موجود در آنها دیده می‌شود. (برای مطالعه بیشتر نک: ماکویی، ۱۳۹۲)

با بررسی نمایش‌واره‌های نوروزی شاید بتوان نتیجه گرفت که اغلب آنها، مایه‌هایی از این رهایی را در خود دارند اما نمایش‌واره‌ای که با شدت بیشتری آن را بروز می‌دهد، نمایش‌واره «میر نوروزی» است.

در تعریف «میر نوروزی» و آداب این آیین، تقریباً همه آنچه در متن‌های تاریخی و اذهان عمومی وجود دارد، مشترک است. در واقع، حضور میر نوروزی و نوروزی‌خوان‌ها، بخشی از مراسم پنجه یا پنچک بود که به آن «خمسه مسترقه» می‌گفتند. این پنج روز، باقیمانده روزهای سال در تقویم کهن ایرانی هستند. بر اساس این تقویم، هر یک از ماه‌های دوازده‌گانه سال را ۳۰ روز می‌دانستند و در پنج روز

باقیمانده، آیین‌هایی برگزار می‌کردند که «میرنوروزی» یکی از آنها بود. آیین‌های مربوط به «پنجه» تا سال ۱۳۰۴ که تقویم رسمی شش ماه اول سال را ۳۱ روز قرار داد، برگزار می‌شد. آیین «میرنوروزی» که در بسیاری از موارد با نوروزی‌خوانی یکی دانسته می‌شود، از بسیاری جهات با آن متفاوت بود. در برخی متون آمده است که در پنج روز آخر سال، اداره و فرمانروایی شهر را به دست میرنوروزی می‌سپردند. خلاف ایام عادی سال که اداره شهر در دست حکام بود، فردی از پایین‌ترین قشرهای اجتماع چند روزی پادشاه می‌شد و چند نفر از مردم عادی را به عنوان خدم و حشم انتخاب می‌کرد در این مدت، سختگیری‌های شدیدی علیه ثروتمندان اعمال می‌شد. حکم «میرنوروزی» در تمام این ایام مطاع بود و هیچ کس از او بازخواست نمی‌کرد.

میرنوروزی در واقع قدرت و نفوذ پوشالی و کوتاه مدت این جهانی را به ریشخند می‌گرفت. با این تعبیر که قدرت و نفوذ این جهانی، کوتاه و گذراست. درست به همان اندازه که میرنوروزی اعتبار و فرصت دارد. بیهوده نیست که این وجه از چنین آیینی به ادبیات قدرتمند و منتقد فارسی هم نفوذ می‌کند و حافظ به تعبیر خودش در «پرده»، حاکمیت و ثروت و قدرت را موقتی می‌داند:

سخن در پرده می‌گویم چو گل از غنچه بیرون آی

که بیش از پنج روزی نیست حکم میرنوروزی

میرنوروزی از سوی دیگر، خواسته‌ها و آمال مردم طبقات متوسط را بازگو می‌کرد. از همین روست که مردم از این فرصت چند روزه برای تغییر وضعیت زندگی افراد هم طبقه خود استفاده می‌کردند. در ایام حکمرانی میرنوروزی، وضعیت‌ها کنش‌مند بودند. شاه باید تحقیر می‌شد، تنبیه می‌شد و سیلی می‌خورد تا به طور تمثیلی، جایگاه اقتدارش در پیش چشم عامه مردم با تردید روبه‌رو شود. مردم بی‌هیچ واژه‌ای به این شاه می‌خندیدند و او را مورد استهزا قرار می‌دادند. حکام نیز، این نمایش را می‌دیدند یا در مورد آن می‌شنیدند. آنها نیز به اجبار به این شکل از اعتراض عمومی تن می‌دادند. در واقع، این نمایش‌واره، نوعی اعتراض به حکام بود تا آنان بدانند که دست کم چند روز در سال، مورد نقد عامه مردم قرار خواهند گرفت. (نک:همان)

حفظ این آیین در طول قرن‌ها، ادای احترام به فطرت آزادمش انسان و قراردادی اجتماعی بین انسان حکومت‌گر و انسان حکومت‌پذیر بود؛ به نحوی که شاید بتوان آن را یکی از وجوه مردم‌سالاری سنتی ایرانی قلمداد کرد. این آیین از قلب جامعه برمی‌آمد و آینه‌ای در برابر داد و دهش دادگران و توانمندان بود.

برپایی این آیین در آغاز سال جدید یادآور آن رهایی سنتی از ترس و دهشتی بود که شاید در طول زمستان و غلبه سرما و سیاهی بر ذهن ایرانی فشار می‌آورد و او را از زیست طبیعی‌اش که بر مبنای شرایط طبیعت‌گرای او شکل گرفته بود، دور می‌کرد.

۲. نوروز به مثابه ثبات

ثبات و امنیت، ریشه برپایی صلح است؛ زیرا هدف امنیت، ایجاد محیطی انسانی و حمایت‌کننده از مردمانی است که طالب آن هستند. فرهنگ و تمدن ایرانی مشحون از نمادهای امنیت‌خواه و صلح‌طلب است. بیزاری از خشونت و جنگ و تکریم آرامش و صلح در آثار مکتوب و شفاهی در موارد متعدد دیده می‌شود. برای مثال، بخش بزرگی از آثار شاهنامه به نبردهای حماسی اختصاص دارد اما بن‌مایه همه این حماسه‌ها بر صلح، گذشت و عفو قرار داده شده است:

مرا آشتی بهتر آید ز جنگ

نباید گرفتن چنین کار تنگ

همچنین سعدی علیه‌الرحمه سروده است:

اگر پیل‌روزی و گر شیر جنگ

به نزدیک من صلح بهتر که جنگ

علاوه بر آثار مکتوب، ادب شفاهی ایرانیان نیز مملو از مفاهیم آشتی، صلح و نفی خشونت و جنگ است. افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه همیشه سالاران و سرداران جوانمرد و صلح‌طلب را ستوده‌اند. زبانزدها و سایر حوزه‌های فرهنگ مردم نیز اغلب بر گذشت و عفو بیش از انتقام و خشونت تأکید کرده‌اند.

جلوه‌های کارکردی صلح در آیین نوروز؛ ثبات، عدالت، رهایی ❖ ۸۷

در تمام آداب و سنت‌های آیین نوروز، وجه ثبات، امنیت‌خواهی و آرامش‌طلبی دیده می‌شود. خانه‌تکانی، خود نماد پر اهمیتی در آرامش و ثبات به شمار می‌رود؛ زیرا خانه نقطه‌ای ثابت و ساکن یا محفلی است که اعضای خانه در آن گرد هم می‌آیند و بخشی است که در آن نور و زندگی جریان دارد. خانه جایگاهی است که باید امن باشد زیرا مأمّن است. علاوه بر این، آداب مشخص دیگری که در این زمینه می‌توان به آنها اشاره کرد، عبارت‌اند از: تهیه لباس و وسایل نو، پخت انواع شیرینی و خوراکی‌های نوروزی، دیدوبازدیدهای نوروزی و سفره هفت‌سین که هرکدام آنها به صورت‌های مختلف آدمی را به آرامش، آشتی و صلح دعوت می‌کنند. در این بخش به دو نمونه از این آداب اشاره می‌گردد:

- سبزه سبز کردن در کنار رسم آب‌پاشی، نماد آرزومندی و امیدواری به نزول باران برای گیاهان بود. در برخی روستاها، کاشت دانه‌های مختلف غلات رایج بود. مثلاً در برخی روستاهای نواحی مرکزی ایران رسم بود که بر ستون‌های دیوار صحن میان خانه، طاقچه‌هایی درست می‌کردند و در آن غله می‌کاشتند. (هنری، ۱۳۵۳: ۵۲)

گیاهان نماد آرامش و نمایانگر صلح هستند؛ در تمدن ایرانی این نمادها و حتی کاشت نمادین آنها را در آیین نوروز شاهد هستیم. بهره‌گیری از عنصری همچون گیاه که کاشته می‌شود دل‌بستگی به زمین و ثبات را یادآور می‌شود و انسان زیسته در این محدوده فرهنگی برای رسیدن به امنیت و آرامش و ثبات آن را در اغلب عناصر زیستی خود نشان می‌دهد.

- سفره هفت‌سین مجموعه‌ای از نمادهای نوروزی را یکجا در خود گردآورده است. برخی نمادهای آن به طور مستقیم به صلح اشاره می‌کنند مانند شاخه بیدمشک، سنبل و سیب و برخی از آنها نمادی چندوجهی هستند مانند سبزه. در سفره هفت‌سین هیچ عنصری بیانگر خشونت و جنگ نیست و این خود به تنهایی برای اثبات صلح‌طلبی کافی است. آیینی با این گستردگی برپا می‌شود اما بدون هیچ وجهی از خشونت یا تنفر زیرا جشن‌ها در ایران بخشی از هویت را نمایش می‌دهند و هویت ایرانی بدون مؤلفه‌های خشونت‌آمیز است.

۳. نوروز به مثابه عدالت

عدالت یکی از مفاهیم با اهمیت در علوم اجتماعی است. این مفهوم با صلح رابطه‌ای نزدیک دارد و در بسیاری از متون به عنوان یکی از زمینه‌های ایجاد صلح پایدار از آن نام برده شده است. از این منظر، صلح بر مبنای عدالت «صلحی است که در آن همه انسان‌ها محترم و صاحب حق شناخته می‌شوند و با احترام متقابل به هم به دادوستد فکری و اجتماعی می‌پردازند» (بزرگمهری و احمدیان، ۱۳۹۲: ۶۵۳). در چنین نگاهی، صلح بر پایه‌ای خارج از گردونه قدرت و منافع فردی استوار می‌شود و انسان و کرامت انسانی اساس و مرکز ثقل صلح قرار می‌گیرد. صلح عادلانه همه زوایای زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد و با تکیه بر توسعه، هویت فردی، فرهنگی و تعالی انسان، وجوه متنوع زیستی او را پوشش می‌دهد. نگاه عدالت‌طلبانه به وجوه مختلف زندگی در اغلب محورهای فرهنگ مادی و غیرمادی ایرانی دیده می‌شود. در این نگاه، کرامت انسانی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین محورهای ارزش‌گذاری برای اعضای اجتماع و سنجش راستی بنیادهای نظم اجتماعی (همان: ۴۹) در کانون قرار می‌گیرد و همه آداب، سنت‌ها و آیین‌ها و مناسک بر مبنای آن صورت‌بندی می‌شوند.

در اغلب آیین‌ها و مناسک ایرانی این ویژگی به خوبی دیده می‌شود. وجود این خصیصه، به عنوان موضوعی قابل تأمل در مناسبات انسانی، جامعه ایرانی را جامعه‌ای صلح‌طلب و امنیت‌گرا ترسیم می‌کند. جامعه‌ای که فرودستان را در کنار توانگران یکسان می‌نگرد و در اغلب مواقع، برای برپایی هرچه باشکوه‌تر مراسم، فرودستان را در رأس مراسم قرار می‌دهد. نمود این صورت‌بندی در آیین‌ها، شاید در نمایش‌واره‌های نوروزی بیشتر قابل مشاهده باشد. در این نمایش‌ها، علاوه بر مضامین و صورت‌های عدالت‌گرایانه، شیوه برگزاری هم توأم با رعایت جنبه‌های مهم انسانی بود.

مکان برپایی نمایش‌ها، میدان اصلی شهر یا کوچه‌ها و منازل اقشار مختلف بود و تماشاگران فارغ از انتساب به طبقه یا گروه، در کنار یکدیگر نمایش را نظاره می‌کردند و در آن مشارکت فعال داشتند. این در کنار یکدیگر قرار گرفتن و و همصدایی و همدلی در آیین‌ها و مناسک، جلوه‌هایی عملی از عدالت به شمار می‌رود.

یکی از نمایش‌های نوروزی که در این بخش به آن اشاره می‌شود، نمایش‌واره «میر نوروزی» است. این نمایش یکی از سنت‌های نوروزی بود که در آن فردی فرودست به حکومتی هرچند کوتاه‌مدت می‌رسید، صاحب وزیر و سرباز می‌شد و دستوراتی صادر می‌کرد.

در تعریف «میر نوروزی» و آداب این آیین، تقریباً همه آنچه در متن‌های تاریخی و اذهان عمومی وجود دارد، مشترک است. در واقع، حضور میر نوروزی و نوروزی‌خوان‌ها، بخشی از مراسم پنجه یا پنجک بود که به آن «خمسه مسترقه» می‌گفتند. این پنج روز، باقیمانده روزهای سال در تقویم کهن ایرانی بودند. بر اساس این تقویم، هر یک از ماه‌های دوازده‌گانه سال را ۳۰ روز در نظر می‌گرفتند و در پنج روز باقیمانده آیین‌هایی برگزار می‌شد که «میرنوروزی» یکی از آنها بود.

در برخی متون آمده است که در پنج روز آخر سال، اداره و فرمانروایی شهر را به دست میرنوروزی می‌سپردند. خلاف ایام عادی سال که اداره شهر در دست حکام بود، فردی از پایین‌ترین قشرهای اجتماع چند روزی پادشاه می‌شد و چند نفر از مردم عادی را به عنوان خدم و حشم برمی‌گزید و دستوراتی صادر می‌کرد. در تمام این ایام، حکم «میر نوروزی» مطاع بود و هیچ کس از او بازخواست نمی‌کرد.

این پادشاهی چند روزه، از ابعاد مختلف، حرکتی قابل توجه و تأمل است. بنا بر آنچه در مدارک تاریخی آمده، امکان اعمال این حکمرانی چندروزه، بدون عواقب سوء و مجازات وجود داشته است؛ گویی ثروتمندان شهر نیز این حکم‌های موقتی را مبارک و خوش‌یمن می‌دانسته‌اند. آیین میرنوروزی، هم به لحاظ گاه شماری و تقویمی و هم از نظر اجتماعی و سیاسی اهمیت داشته است. این چهره عوض کردن که در حقیقت، به گشایش عقده‌های پنهان فرودستان کمک می‌کرد، به شکل نمایشی آیینی رخ می‌نمود و در فرصت کوتاهی که در اختیار داشت، به پیکره اجتماع نشتر می‌زد. این رسم، بالا و پایین اجتماع را در هم می‌آمیخت و به هم نزدیک می‌کرد. میر نوروزی با این کنش، خواسته‌ها و آمال مردم فرودست جامعه را بازگو می‌کرد و مردم نیز از این فرصت چند روزه برای تغییر وضعیت زندگی افراد هم طبقه خود استفاده می‌کردند. (ماکویی، ۱۳۹۱)

۹۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- کمک به مستمندان، به عنوان یکی از سنت‌های رایج در آیین نوروز، یکی دیگر از جلوه‌های عدالت‌گرایی این آیین است. در هنگامه آماده شدن برای برپایی جشن نوروز، اغلب مردم، مستمندان و نیازمندان را نیز در نظر می‌گرفتند. تهیه ملزومات عید مانند خوراک، پوشاک و لوازم منزل، از جمله سنت‌هایی بود که همه جامعه را برای مشارکت در این جشن همراه می‌کرد. مردم در هنگامه برپایی جشن، عرصه برگزاری را همه جامعه می‌دانستند و از این‌رو، عرصه عمومی به معنای واقعی، تجلی پیدا می‌کرد. به دلیل آنکه مشارکت در جشن از سوی همه افراد لازم شمرده می‌شد، توانگران، سعی داشتند که نیاز مستمندان را برطرف سازند.

جمع‌بندی

برگزاری مراسم جشن و عید از جلوه‌های فرهنگی جوامع به شمار می‌رود. جشن نوروز، طولانی‌ترین جشن در میان اعیاد ملی و مذهبی ایرانیان است که از چند روز مانده به سال تحویل آغاز می‌شود و تا روز سیزدهم ادامه می‌یابد. این جشن مهم‌ترین حلقه پیوستگی اقوام ایرانی است و در آن تمام جنبه‌های عملی و نمادین زندگی دیده می‌شود: خانه‌تکانی، سبزه سبز کردن، نوروزخوانی، تهیه پوشاک و وسایل نو، شیرینی‌های خانگی سال نو، آتش‌افروزی، قاشق‌زنی و شال‌اندازی، حنابستن، زیارت اهل قبور و کمک به افراد مستمند.

از دیگر آداب استقبال از نوروز و هفت‌سین، دعای سال تحویل، دید و بازدید، تهیه غذاهای عید، عیدی دادن، انواع بازی‌ها، آداب ایام نوروز و سیزده‌بدر است.

نوروز، آیینی نمادین و جشنی کهن است که از قرون گذشته تا کنون تمامی نسل‌های ایران زمین را فراتر از محدوده‌های قومی، مذهبی، زمانی و مکانی به یکدیگر پیوند داده و با بنیان و اساسی گرانسنگ و غنی، آیین و رسوم خاص خود را که سرشار از رمز و راز و کنایه و اسطوره است، به گلوگاهی در فرهنگ ایرانی بدل کرده است.

نوروز، علاوه بر جنبه ملی، آیینی و اجتماعی، ویژگی خانوادگی هم دارد؛ تمام مراسم این آیین در محلی به نام «خانه» برگزار می‌شود و «زنان» در کانون آن قرار دارند. خانه‌تکانی، سبزه سبز کردن، تهیه شیرینی‌های خانگی، خرید ویژه عید، چیدن سفره

جلوه‌های کارکردی صلح در آیین نوروز؛ ثبات، عدالت، رهایی ❖ ۹۱

هفت‌سین، تدارک غذاهای ایام عید و فراهم آوردن شرایط دید و بازدید، از جمله فعالیت‌های بانوان ایرانی در هنگامه برپایی این عید و آیین است. این کنش و رفتار بانوان، خود نشان می‌دهد که عمل در لایه‌های عمیق‌تر، عملی صلح‌گرایانه بوده که طبع زنان آن را به سمت ایجاد محفلی امن و عاری از هر رفتار تهدیدکننده سوق داده است.

منابع

- آزند، یعقوب (۱۳۸۵) **نمایش در دوره صفوی**، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- بزرگمهری، مجید و احمدیان، فاطمه (۱۳۹۲). «مؤلفه‌های مشترک صلح در نظریه سازه‌انگاری و ایده گفتگوی تمدن‌ها». **فصلنامه سیاست خارجی**. س. ۲۷، ش. ۳.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۱) **نوروز؛ جشن نوزایی آفرینش**، چ. ۳، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بوتول، گاستون (۱۳۷۱). **جامعه‌شناسی صلح**. ترجمه هوشنگ فرخجسته. تهران: شیفته.
- پیراوی ونک، مرضیه و نیک‌نفس، اقدس (۱۳۸۹) «بررسی تطبیقی نمایش‌های تعزیه و تراژدی براساس نظریات ارسطو»، **دو فصلنامه فلسفی شناخت**، ش ۶۳/۱.
- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۹). **تاریخ نوروز و گاهشماری ایران**. تهران: در.
- ستاری، جلال (۱۳۷۶) **آیین و اسطوره در تئاتر**، تهران: انتشارات توس.
- کمالی، محمدشریف (۱۳۸۹). **انسان‌شناسی صلح و جنگ**. تهران: سمیرا.
- گرگانی، امیر فریدون (۱۳۵۵). **گاهنامه روز یکم فروردین ماه**. تهران: سروش.
- ماکویی، سویل؛ دوستی، شهرزاد؛ حاج محمدیاری، رقیه (۱۳۹۰) «آیین‌های نوروزی در مناطق مختلف ایران (از استقبال تا بدرقه)»، **گزارش پژوهشی**، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- ماکویی، سویل (۱۳۹۱). «نمایش‌واره‌های آیینی نوروزی». **گزارش پژوهشی**. تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی.
- هنری، مرتضی (۱۳۵۳). **آیین‌های نوروزی**. تهران: وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی